

(پیوسته به گذشته)



جهاد اسلامی و تفاوت آن با جنگ و هراس افگنی

نویسنده: احمد منیب حکیمی

بخش سوم

۴. اهداف جهاد اسلامی:

هریک از نوع جهاد اسلامی را که در دو مبحث قبلی تذکر دادیم، وسایلی اند که برای اهداف خاص و مقدس به کار گرفته میشوند، مساعی بی هدف و یا راه اندازی جنگهای بی هدف را نمی توان جهاد اسلامی بنامیم، هدف عمومی جهاد اسلامی اصلاح فرد و جامعه انسانی است که در پرتو شریعت اسلامی صورت می گیرد، جهاد نفس که در اسلام جهاد اکبر خوانده شده است، وسیله است برای هدف اصلاح فرد و تذکیر نفس، اجتناب از گناهان و اطاعت از اوامر خداوند متعال، با جهاد نفس انسان تلاش میکند برای رضای خداوند متعال، تقوا و پرهیزکاری نموده به بنده گان خداوند مصدر خدمت گردد، هر نوع خدمت انفرادی و اجتماعی که یک فرد مسلمان بقصد رضای خدا در جامعه انسانی انجام میدهد جهاد نفس محسوب می گردد و خداوند به او پاداش نیک میدهد.

دعوت، تبلیغ و ارشاد دینی توسط قلم، زبان و هنر نوع مساعی دیگر به هدف نشر و توسعه اسلام بزرگترین جهاد اسلامی محسوب می گردد، تبلیغ و ارشاد دینی در جامعه اسلامی بههدف تذکیر نفس مسلمانان و در جوامع غیر اسلامی بههدف جلب توجه کفار و دعوت آنها به اسلام صورت می گیرد، قتال فی سبیل الله یا جهاد دفاعی که تحت اداره حاکم مسلمان براه انداخته می شود نیز یک وسیله مقدس است که بخاطر مصلحت جامعه، برای ایجاد صلح و آرامش بنده گان خداوند صورت می گیرد، تا اینکه امنیت و صلح در جامعه انسانی تامین گردد و فتنه و فساد ناپود شود و از نظام اسلامی، دفاع صورت گیرد، سرکوبی طغیان و باغیان که در مقابل حکومت اسلامی موانع ایجاد می کنند نیز با راه اندازی جهاد اسلامی ناپود می شوند، کسانیکه در جامعه مسلمان باعث تفرقه افگنی و فساد می شوند نیز از مکلفیتهای دولت اسلامی است تا در نابودی چنین گروههای که همچو مکروب های اجتماعی در جامعه مسلمان فعالیت دارند را توسط راه اندازی جهاد اسلامی متلاشی نماید.

جلوگیری از فساد اجتماعی، گرفتاری دزدان، رهزنان و قطاع الطریق، تامین امنیت فردی و اجتماعی در جامعه مسلمان نیز جهاد اسلامی است که به هدف مصالح اجتماعی جامعه اسلامی توسط متولی امور مسلمین به راه انداخته میشود. از همین جهت عساکر مسلمان، در حاکمیت اسلامی را مجاهدین می نامند و خدمات ارزنده شان که در راه خدمات اجتماعی و استحکام حاکمیت ملی مسلمانان انجام میدهند، جهاد اسلامی نامیده میشود، هرگاه ادارات پولیس و اردو در نظام اسلامی با اخلاص و صداقت در راه رضای خداوند متعال در چهارچوب شریعت اسلامی فعالیتهای خود را تنظیم کنند، مجاهد واقعی پنداشته شده و فعالیتهای شان جهاد اسلامی خوانده میشود، همین ها هستند که وظیفه مقدس پیشبرد جهاد اسلامی را در جامعه اسلامی بدوش دارند.

امام بخاری رحمه الله حدیثی را از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم روایت کرده است که می فرماید: (مکلف شده ام تا وقتی مبارزه نمایم تا مردم اقرار کنند بر اینکه هیچ معبودی بجزء الله نیست و اینکه محمد پیامبر الله است و برپا دارند نماز را و بدهند ذکات را، وقتی چنین کردند خونها و اموال شان محفوظ است مگر بخاطر اسلام و حساب شان به خداوند ارتباط دارد).

در اسلام صلح و آرامش، بر جنگ و قتال همیشه برتری داشته است، پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم همواره قبل از شروع جنگ، دشمنان را به صلح و گفتگو دعوت می کرد، در قرآن نیز دستورات صریحی مبنی بر پذیرش صلح و اولویت آن وجود دارد، چنانچه می فرماید: **(ان جنحوا للسلام فاجتنب لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم و ان یریدوا ان یدعوک فان حسبک الله هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین) الانفال ۶۱**. هرگاه دشمنان اسلام تمایل به صلح نشان دادند شما نیز به صلح متمایل شوید و برخدا توکل نمائید که خداوند شنوا و دانا است و اگر بخواهند شما را فریب دهند خداوند برای شما کافی است و او ذاتی است که شمارا با یاری خود و حمایت مومنان تقویت کرد.

در آیه ۹۰ سوره نساء آمده است هرگاه کافران از جنگ دست کشیدند و با شما طرح صلح انداختند، دیگر حق ندارید با آنها به جنگ ادامه بدهید، قرآن میگوید (والصلح خیر. سوره النساء ۱۲۸) صلح از همه بهتر است، معنای صلح همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمندانه است، البته اسلام هرگز تحمل ذلت را اجازه نمی دهد (لا ضرر و لا ضرار) و ضمن تاکید بر دفاع در برابر متجاوز، در عین حال طرفدار صلح است، اسلام در جنگها بر رعایت ارزشهای انسانی و حفظ حرمت انسان تاکید دارد و آن اصول و قواعد اخلاقی است که تمام انسانها با هر عقیده و مسلکی که دارند، در جنگ به آن پایبند اند.

مصئونیت بزرگ سالان، کودکان، زنان و مجانین در جنگ از جمله نمونه های احترام به ارزشهای انسانی است، سپاه اسلام در حین قتال حق ندارد متعرض گروه های انسانی شود، اسلام دستور می دهد که اگر با دشمن قراردادی بستید تا هنگامی که او خیانت نکرده است، باید وفادار به پیمان باشید، اسلام از مثله کردن دشمن (یعنی بریدن گوش، بینی و سایر اعضا) منع کرده است و بدین نحو هرگونه دست زدن به اعمال غیر انسانی را در جنگ، ممنوع اعلام کرده است، در اسلام هدف از اسیر گرفتن، تضعیف نیروی انسانی دشمن و آشنا کردن اسراء به اسلام است، اسلام ضمن دستور به برخورد انسانی با اسراء، راه های برای آزادی آنان، تدارک دیده است.^۱

جهاد اسلامی نمی تواند توجیهی برای دست زدن به جنگ و ترور باشد، قتال فی سبیل الله قبل از همه چیز امری دفاعی است، یعنی دفاع از کیان و ناموس اسلام و مسلمین و مملکت اسلامی در برابر تجاوزات دشمنان اسلام، سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نشان می دهد که ایشان، ابتدا از جنگ حتی دفاعی نیز منع می کردند تا اینکه آیات مربوط به قتال نازل شد، توصیه ایشان همواره دعوت به گفتگو، صلح و سعی در دوری از جنگ همراه بود، جهاد اسلامی عمل فردی و عبادی بوده به معنای مبارزه با هوا، هوس و خواهشات درونی و روانی است و پس از آن در عرصه عمومی، برای دفاع و مقابله در برابر تجاوز تحت فرمان حاکمیت مسلمان مشروعیت می یابد.

^۱. آثار الحرب فی الفقه الاسلامی وهبه الزحیلی

۵. شرایط و مبادی جهاد اسلامی:

قتال در راه خدا بزرگترین مساعی نفسانی مسلمان است که در مقابل رضای خداوند متعال از همه ما یملک خود می گذرد و در راه اقامه دین خدا قیام میکند و این بزرگترین عبادت است، لذا شارع اساسات و مبادی خاص برای اجرای آن وضع کرده است، هرگاه مسلمان به آن مبادی استوار باشد، عمل او را می توان جهاد اسلامی خواند و هرگاه از مبادی قتال سرکشی کند، مساعی او نزد خداوند ارزشی ندارد.

پیامبر گرامی اسلام فرموده است: (کل عمل لیس علیه امرنا فهو رد). هرکاری که مخالف دستور و روش ما باشد مردود است. به وسیله قتال فی سبیل الله حاکمیت مسلمان فساد را نابود می کند و قانون الهی را قایم می سازد، پس قتال برای امحای فساد مشروع گردیده است، منافع مسلمانان یکی از اساسات کلیدی قتال فی سبیل الله شمرده می شود و این امر وقتی متحقق می شود که مسلمانان تحت یک لواء متحدانه به اجازه ولی امر مبارزات مسلحانه را آغاز نمایند.

در قتال فی سبیل الله، مسلمان از خون خود می گذرد، بخاطر دفاع از حرمت خون مسلمان شریعت اسلامی اصول و ضوابطی را بحیث مبانی تعیین کرده است که عدول از آن مخالفت صریح احکام شریعت محسوب می گردد، از جمله: اسلام، بلوغ، عقل سلیم، آزادی اراده، ایجاب مصلحت، وجود نفقه اولاد و اجازه حاکم مسلمان از عمده ترین آن می باشد.

شریعت اسلامی بر مصلحت و اجازه حاکم مسلمان در قتال تاکید دارد، زیرا بدون در نظر داشت رکن مصلحت مقابل آن مفسدت قرار می گیرد، تمام اصول احکام شریعت به اساس مصالح العباد گذاشته شده است، در شریعت هرگاه ظاهر امر بر شریعت استوار باشد ولی منتج به مفسد گردد آن عمل غیر شرعی پنداشته می شود، چون جهاد نیز وسیله بخاطر دفع فساد می باشد، هرگاه این عمل بدون در نظر داشت مصالح اجتماعی مسلمانان اقدام شود طبعاً باعث فساد اجتماعی می گردد و در آن صورت حکم آن به تحریم کشانیده میشود.^۲

خداوند متعال می فرماید: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) جنگ بخاطر دفع فتنه و فساد است هرگاه جنگ خود به فساد منجر شود و اهداف جهاد متحقق نگردد در شریعت اسلام و عقل سلیم انسانی ممنوع می باشد و همچنان است تمام فرایض شرعی، هرگاه انسان احساس خطر کند و یا به منافع فردی و اجتماعی مضر واقع شود ساقط می گردد، مثلاً وضوء یگانه وسیله جواز نماز است ولی هرگاه استعمال آن باعث ایجاد خطر گردد وضوء ساقط گردیده و با تیمم نماز جایز می شود، روزه فریضه عین است ولی هرگاه مسلمان را به خطر مواجه سازد افطار بالای آن واجب می شود و پافشار بر صیام در شریعت ممنوع می گردد، حج یک فریضه است ولی هرگاه امنیت مالی و جانی حاجی در خطر باشد این فریضه ساقط می شود، جهاد رحمت خداوند متعال است که ترحم و رعایت اصول جنگی در صدر اساسات آن قرار دارد هرگاه باعث قتل مردم بیگناه شود، اغتشاش، بدامنی و فروپاشی جامعه اسلامی را بار آورد

^۲ . دیده شود الموافقات للامام الشاطبی رح جلد دوم ص ۲۶۸

شرعا ساقط می گردد، در آنصورت هر نوع اقدام جنگی با هر نیت و تحت هر نوع شعار که باشد یک عمل غیر شرعی محسوب می گردد.

پیامبر اسلام در وقت وداع قافله جنگی مسلمانان چنین فرمودند: (عن أنس بن مالك رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: انطلقوا باسم الله و بالله و على مله رسول الله و لا تقتلوا شيخاً فانياً و لا طفلاً و لا صغيراً و لا امرأه و لا تغلوا و ضموا غنائمكم و أصلحوا و أحسنوا إن الله يحب المحسنين) رواه أبو داود.

بروید بنام خدا، با توکل بر خدا و بر ملت رسول خدا و نکشید بزرگسال را و نه طفل را و نه زنی را، افراط نکنید، غنایم خود را منسجم دارید، در جامعه اصلاح آورید و به مردم نیکویی کنید که خداوند نیکو کاران را دوست میدارد.^۳

مبادی جنگ را پیامبر اسلام به پیروان خود چنین ترسیم کرده است: (لا تخونوا و لا تغدروا و لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تقتلوا طفلاً و لا شيخاً كبيراً و لا امرأه و لا تعفروا نخلاً و تحرقوه و لا تقطعوا شجرة مثمرة و لا تذبحوا شاه و لا بقره و لا بعيراً و لا أهل الصوامع). خیانت نکنید، غدر نکنید، افراط ننمائید، مرده گان را مثله نکنید، اطفال، بزرگسالان و زنان را به قتل نرسانید، درختان خرما را خساره مند نسازید و به آن آتش نزنید، درختان میوه را قطع نکنید، به حیوانات و اهل معابد اذیت نرسانید.

اعمال پیامبر و پیروان راستین او مطابق احکام قرآن که همیشه بر عفو، گذشت، عدالت و ترحم انسانی تاکید کرده است مطابقت داشته است چنانچه می فرماید: لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (الممتحنه : ۸)

خداوند شما را منع نمی کند تا با کسانی که با شما پیکار ندارند (از کافران) و شما را از منازل تان خارج نکرده اند نیکویی کنید و انصاف را در حق ایشان رعایت کنید خداوند دوست میدارد انصاف کننده گان را.

اسلام تمام انواع تشدد گرایی را ممنوع کرده است و بر مبادی اخلاق تاکید ورزیده است، مسلمان از ارتکاب ظلم در مقابل بشریت منع شده است، خداوند متعال در مورد می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (المائدة : ۸)

در راه خداوند بر شهادت انصاف استوار باشید، دشمنی گروه (کافر) شما را مجبور نسازد که از عدالت بگذرید، عدالت نمائید این به پرهیزکاری نزدیکتر است، از خداوند بترسید، خداوند به آنچه شما انجام می دهید کاملاً آگاهی دارد.

آیات قرآن و متون اسلامی در مورد آداب جنگ این حقیقت را به وضوح ثابت می کند که اسلام مسائل اخلاقی و انسانی را حتی در خشونت بارترین صحنه های زندگی یعنی میادین جنگ نادیده نگرفته است، در همه جا قهر را با لطف، خشونت را با رحمت، عجین ساخته است، مسلمان باید این آداب را که اثر عمیقی در طرز قضاوت بیگانگان از اسلام دارد و می تواند وسیله برای جلب توجه آنان و بازنگری در باره اسلام شود، در گفتار و رفتار خود به کار بندد، تا جامعه انسانی را بسوی رشد و هدایت رهنمایی نماید.

۳. مجموع الفتاوی ۲۸ : ۳۱۸ و المغنی لابن قدامه ۱۲ : ۵۳۳-۵۴۰

قرآنکریم بارها به رعایت عدالت و عدم تجاوز از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تاکید کرده است، از جمله در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌خوانیم: **(وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)**. در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز ننمائید که خدا تجاوز کاران را دوست نمی‌دارد. در این آیه به سه نکته ذیل اشاره شده است:

الف: جنگ باید فی سبیل الله یعنی برای رضای خدا و در راه خدا باشد نه به خاطر قدرت خواهی، جاه طلبی، انتقام‌جویی و اهداف سیاسی.

ب: جنگ در برابر متجاوز باشد، یعنی تا جنگ تحمیل نشود نباید دست به اسلحه برده و به جنگ مبادرت نمائیم.

ج: در میدانهای جنگ از حد تجاوز نکنیم، باید اصول اخلاقی جنگ را رعایت نمائیم، یعنی هرگاه دشمن اسلحه را بر زمین بگذارد و تسلیم شود نباید به او حمله کرد، و همچنین نسبت به کسانی که قدرت جنگ را ندارند مانند پیر مردان، کودکان و زنان نباید مزاحمت ایجاد شود، نابود کردن باغها و مزارع و تخریب اماکن قابل استفاده (مانند سرکها، معابر، مکاتب، کلینکها و سایر عمارات و مبانی)، توسل به سلاحهای کشتار جمعی، همه از مصادیق تعدی بر بیگناهان و انتخاب روش‌های غیر انسانی بوده از نظر اسلام ممنوع می‌باشد.

در آیه ۱۹۴ سوره بقره قرآنکریم به همان موضوع مجددا تاکید کرده می‌فرماید: **(فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ)**، هرکس به شما تجاوز کند به مانند آن بر او تجاوز کنید و از خدا بترسید (تعدی و زیاده روی ننمائید) و بدانید خدا با پرهیزکاران است، اشاره به اینکه اگر یاری خداوند و پیروزی را می‌خواهید باید از تعدی و زیاده روی حتی در میدانهای جنگ خود داری کنید، همین معنی به شکل دیگری در آیه ۲ سوره مائده با صراحت بیشتر چنین مورد تاکید قرار گرفته است:

(وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا). نباید خصومت نسبت به گروه که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در جریان صلح حدیبیه) مانع شدند وادار به تعدی و تجاوز کند (و روح انتقام جویی که از رفتار خشونت بار دشمن در صلح حدیبیه مایه می‌گیرد بر شما غلبه کند).

ارباب سیر، در سیرت آنحضرت صلی الله علیه و سلم نوشته‌اند که هرگاه لشکری را مامور جنگ می‌کرد فرماندهان سپاه را با لشکر طلب می‌فرمود و این گونه موعظه و ارشاد می‌کرد: بروید به نام خداوند متعال و استعانت بجوئید به خداوند و برای او و آئین رسول خدا قتال کنید، ای مردم مکر نکنید و از غنائم جنگی سرقت روا مدارید و اعضای دشمن را بعد از کشته شدن جدا (مثله) ننمایید، پیران، اطفال و زنان را قتل نکنید، عابدان و رهبانان را که در غارها و بیغوله‌ها جای دارند به قتل نرسانید، مبانی و تعمیرات را تخریب نکنید درختان را از بیخ نزنید، نخلها را نسوزانید و ریشه کن نسازید، زراعت را آتش نزنید، حیوانات حلال را نابود نسازید، آب دشمن را با زهر آلوده نسازید، حیله و نیرنگ به کار نبرید. خود آنحضرت نیز هرگز با دشمنان غیر از این معامله نکرد، شبخون بر دشمن نزد و جهاد با نفس را از هر چیزی بالاتر می‌دانست.

دستورات بالا، نشان می‌دهد که اسلام هیچ یک از مسائل اخلاقی مربوط به جنگ را نادیده نگرفته است و شخص پیامبر تمام آنها را عملاً در مورد دشمنان مراعات می‌نموده است، نه همچون کشورهای غربی که در گفتار خود از حقوق بشر و رعایت اصول انسانی بسیار دم می‌زنند و غوغا برپا میدارند، ولی در عمل از آن هیچ خبری نیست، علاوه بر آن تأکید بر این نکته که جهاد با نفس برترین جهاد است اشاره به این معنی می‌کند که مجاهد واقعی کسی است که اصول اخلاق انسانی را در میدان جنگ رعایت می‌کند.

از فرامین پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم که همیشه قبل از جنگ‌ها به فرماندهان لشکر ارشاد می‌فرمود به خوبی روشن می‌شود که این دستورات جزء برنامه‌های اصلی اسلام در مورد جنگ با دشمن است و مسلمان باید همواره در زنده نگهداشتن آن پافشاری کند، در غیر آن نمی‌توان هر اقدام جنگی را به دین اسلام منسوب نموده و اقدامات خود سرانه خود را جهاد اسلامی بنامیم، در حقیقت این بزرگترین جفا و ظلم بر دین محمدی است که برخلاف دستورات اسلام عمل نموده و با تاویلات و بی‌مورد اقدامات خود را اسلامی قلمداد نمائیم.

تماس: ahmadmunib@yahoo.com

ادامه دارد